

# ویژگیهای انسان!

مستضعفین که دچار تب شدید استضعافند ، یعنی از آزادی و آگاهی محرومند ، هیچگونه مسؤولیتی ندارند ، اما ...

انسانها و حیوانات، مشترکات و تمایزات دارند آنچه موجب برتری انسان بر حیوانات است ، تمایزات اوست . انسان از بد تولد ، استعداد اندیشیدن و کسب آگاهی دارد . به خاطر همین امتیاز است که به او آزادی داده شده است او میتواند آگاهانه و آزادانه ، کارهایی انجام دهد .

هر کس که از آگاهی و آزادی برخوردار است . مسؤولیت هم دارد ، اگر آگاهی نباشد اگر آزادی نباشد ، اگر انسان از هر دو محروم باشد ، مسؤولیتی هم ندارد . کودک و دیوانه مسؤولیتی ندارند . زیرا آگاهی ندارند . شخصی که از نعمت والای آزادی محروم و گرفتار آگراه و اجبار است و همچنین شخصی که از روی ناچاری کاری را انجام می دهد مسؤولیت ندارد .

قرآن کریم در جهان بینی و انسان شناسی خود چنین تصریح میکند که ما انسان را از نطفه آویخته بچوت ، امتحان و آزمایش آفریدیم پس او را شنو و بینا قرار دادیم .

راه رابه او نشان دادیم . در این صورت یا شکر گزار می شود و یا به نعمت خدا کفران می ورزد» (۱) آری چنین است انسان خاکی ولجنی ! همین انسان خاکی ولجنی که در آن روح خدا دمیده شده و همین پیکره خاکی ولجنی که بدان نقش زیبای انسانیت زده شده است . هم آگاهی میدهند ، هم آزادیش میدهند و هم از او میخواهند که با احساس مسؤولیت ، جامعه تعهد به تن کشد و زندگی چند روزه خود را در این جهان ، آنچنان بگذراند که چیزی جز تعهد و مسؤولیت در آن راه نداشته باشد .

اگر کسی يك بعدی به انسان شناسی قرآن نظر کند ، گمان می برد که در این سند آسمانی اسلام انسان ، اینطور معرفی شده است که: بسته به زنجیر جبر در برابر اراده و خالقیت مطلق خداوند بوده ، هیچگونه اختیار و آزادی ندارد . وقتی که خدا خالق همه چیزهاست (۲) و هر که را بخواهد هدایت و هر که را

استضعاف تبی است  
 که نه تنها کالبد انسان  
 را فرسوده میکند  
 بلکه مزایای وجود  
 یک انسان را هم از او  
 میگیرد...

**مستضعف،  
 محکوم اراده  
 و خواست  
 مستکبر است**

لازمه آگاهی  
 و مسئولیت انسان  
 آزادی است  
 که از طرف پروردگار  
 به او عطاء شده است

بخواهد گمراه میکند، (۳) انسان چه کاره  
 است که در عرصه بیکران قدرت و خلاقیت  
 او بتواند عرض اندام کند و منیسی نشان  
 دهد ؟ !

یا گمان می برد که: انسان نیز یک فاعل  
 مستقل است و در قلمرو اختیار خود مستقلا  
 عمل می کند. وقتی انسان، مسؤول اعمال و  
 در گرو کسب و کار خویش است (۴) و بعنوان  
 یک موجود آزاد و مکلف، همه جا مورد  
 خطاب و عتاب و تشویق و نوبد قرار گرفته  
 است، چگونه می شود او را یک فاعل مستقل  
 و تام الاختیار به حساب نیاورد ؟ !

هیچیک از این گمان ها و پندارها منطق  
 قرآن نیست. همه آنها یی که قرآن را بطور  
 یک بعدی می نگرند، از زبان قرآن بیگانه-  
 اند. کسی که بخواهد زبان قرآن را بداند،

**مستکبران  
 خیره سر  
 وزورگویان  
 متجاوز و  
 ستمکاران  
 حق کش، راه  
 آگاه شدن را  
 بر روی  
 «ضعیف  
 یافته  
 شدگان»  
 مسدود  
 میکنند**

باید توجه کند که قرآن یک واحد منسجم و  
 بهم پیوسته است. در غیر این صورت، باید  
 قرآن از دست او گله و شکوه کرده، بگوید:

هر کسی از ظن خود شدیدار من

از درون من نجات اسرار من !  
 مطالب قرآن - همه وهمه - نسبت به -

یکدیگر در حکم تار و پود چیز واحدی  
 هستند. خاصیت تار و پود این است که ضمن  
 نگاهداری یکدیگر، چیزی بنام پارچه یا  
 فرش بوجود می آورند که نه از تار تنها این  
 کار بر می آید و نه از پود تنها.

رهبران دین ما - که معلمان حقیقی قرآنند  
 چنین فرموده اند :

ینطق بعضه بعض و یشهد بعضه  
 علی بعض (۱) ← لطفا ورق بزنید

- ۱- انا خلقنا الانسان من نطقه امشاج قبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا، انا هدیناه السبیل  
 اماشاکرا و اما کفورا، (انسان ۲ و ۳)
- ۲- الله خالق کل شیء (رعد ۱۶)
- ۳- یضل من یشاء و ینهدی من یشاء (نحل ۹۳)
- ۴- کل امرء بما کسب رهین (طور ۲۱)

از این رو گفتیم قرآن یک کل بهم پیوسته است .

بنابراین ، نه انسان ، دست و پا بسته و اسیر جبر مطلق است و نه دست و پا گشوده و دارای فاعلیت مطلق و مستقل . فاعلیت او در طول فاعلیت خداوند است . قدرت و اسباب فاعلیت را او میدهد و انسان به اختیار خود آنها را در راه نیک یا بد ، به کار می اندازد به همین جهت است که امام ششم علیه السلام فرمود :

**لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین .**

انسان نه مجبور است نه مستقل نه همه کاره با او واگذار شده و نه بطور کلی اختیار از او سلب گردیده . بلکه واسطه ای است میان آن دو .

بنابراین آنچه لازمه آگاهی و مسؤولیت است یعنی آزادی - به انسان عطا شده ، تا بتواند با استفاده از آگاهی های خود ، آزادانه عمل کند و مسؤولیت اعمال خود را هم بپذیرد . در حقیقت ، آزادی ، حلقه رابطی است که آگاهی و مسؤولیت را بهم ارتباط میدهد .

پروان مکتب «اکز یستانسیالیسم» انسان را در ابعاد : **آگاهی ، آزادی و آفرینندگی** یافته و شناخته اند حتی به نظر آنها «مطلق همتی» هم دارای همین ابعاد سه گانه است . منتهی بعضی از

۱- پاره ای از قرآن به پاره ای دیگر سخن میگوید و بعضی از آن گواه بعضی دیگر است (نهج البلاغه خطبه ۱۳۱)

## ویژگیهای انسان

مراتب هستی ضعیفند و بعضی قوی . یقیناً آنکه قوی است ، از آزادی و آگاهی و آفرینندگی بیشتری برخوردار است و آنکه ضعیف است ، کمتر البته صدر المتألهین شیرازی مسأله خود آگاهی وجود را خیلی بیشتر مطرح کرده است .

بدیهی است که انسان تکریم شده و برتری یافته ، در قرآن : (۵) آفریده شده در بهترین تقویم ( ) آنکه بر مسند خلافت نشسته (۶) ، و نفخه ای از روح الهی در کالبدش دمیده شده (۷) ، و بار امانت بدوش کشیده (۸) و در مسیر لقاء و دیدار خدای هستی بخش قرار گرفته (۹) به او استعدادی بخشیده شده که بتواند از آگاهی و آزادی و مسؤولیت و آفرینندگی در حد کمال ، بر-خوردار باشد .

متأسفانه ، همین انسان گرفتار تب استضعاف می شود . استضعاف ، آن چنان تبی است که نه تنها کالبد او را فرسوده میکند بلکه مزایای وجود یک انسان را هم از او میگیرد .

دستگاه های «ضعیف یاب» توده هایی را که از نظر فکری و قوای معنوی و مادی ضعیفند کشف میکنند و بید رنگ و بیرحمانه آنها را به دام «استضعاف» می کشانند و چنان آنها را در رشته های آن اسیر و گرفتار می سازند که هیچگونه راهی برای نجات و رهائی نداشته باشند .

۲- ولقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفصیلاً (اسراء ۷۰)

مستکبران خیره سر و زورگویان متجاوز و ستمکاران حق کش ، در درجه اول پیش از هر کاری ، سعی می کنند راه آگاه شدن را بر روی این «ضعیف یافته شدگان» (۱۰) مسدود کنند تا بتوانند آنها را در راه مقاصدشوم سیاسی و اقتصادی خود به کار گمارند و بدون هیچگونه نگرانی و اضطراب برگرده آنها سوار شوند در اینجامستضعف، بینوا درمانده، نه آگاهی دارد، نه آزادی و نه مسؤولیت . او گرفتار تب، ۴ درجه استضعاف است ، تبی مهلك و كشنده، تبی كه شخصیت و حیثیت انسانی او را میفرساید و وجودش را تباه و ارزشهای طبیعی او را لگدمال می سازد .

مستضعف ، محكوم اراده و خواست مستکبر است . گاه باید در فاصله محل سد

۵- لقد خلقنا الانسان

فی احسن تقویم (تین ۴)

۷- فاذا سوية ونفخت فيه من روحي

فتعواله ساجدين» (حجرات ۲۹)

۹- «من كان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا

صالحا ولا یشرك بعبادة ربه احدا» (كهف

۱۱۰)



## دین انسان و طبیعت

اسوان کنونی مصر تا اهرام در رفت و آمد باشد و برای ساختمان گورمنفوق راعنه ، سنگ حمل کند، تاجان بدهد و گاه باید درسرباز- خانه ها، درکارخانه ها، در معادن، در مزارع فتودالها و اربابان و طاغوتها و طاغوتچدها در راه توسعه زور و زر مستکبران جان بکند و بامرک تدریجی دست به گریبان باشد يك روز به اسم «پرو ۱۵۵» يك روز به نام «رعیت!» ، يك روز به عنوان «کارگر و کارمند!» و ..

و چنین است که این انسانهای از خود بیگانه، تا در چنین شرایطی هستند مسؤولیتی هم ندارند . یعنی از آنچه ویژه يك انسان آگاه و آزاد است ، محرومند و این حقیقتی است که در نظام قانونگذاری اسلام پذیرفته شده است .

۶- «و اذ قال ربك للملائكة انی جاعل

فی الارض خلیفة» (بقره ۳۰)

۸- «انا عرضنا الامانة علی السماوات

والارض والجبال فما بین ان یحملنها

واشفقن منها وحملها الانسان

انه كان ظلوما جهولا» (احزاب ۷۲)

۱۰- بر اساس نظریه راغب اصفهانی

و ملاکهایی که خود ما بدست داده ایم،

تعبیر فوق، بعنوان ترجمه «مستضعفین»

برگزیده شد .

## روزهای تاریخی این ماه

در ۲۵ این ماه شهادت حضرت

موسی بن جعفر (ع) رخ داد

شهادت آن حضرت را به امام زمان

(عج) و رهبر انقلاب و مراجع تقلید

تسلیم میگوئیم.

این ماه پیام آورد و حادثه مهم تاریخی :

حادثه بعثت پیغمبر گرامی اسلام

در ۲۷ این ماه حادثه تولد پیشوای

بزرگ ما امیر مؤمنان علی (ع) در

سیزدهم این ماه . این دو روز عظیم را

به همه مسلمانان جهان تبریک می گوئیم .